

بررسی مؤلفه‌های دموکراسی در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره‌ی ابتدایی

فریده درخواه* دکتر محمد مزیدی** دکتر فرخنده مفیدی***

چکیده

هدف از تحقیق حاضر بررسی میزان برخورداری کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره‌ی ابتدایی از مؤلفه‌های دموکراسی بر اساس دیدگاه‌های دیویی، اسکو، شریعتمداری و بشیریه بود. بدین منظور ابتدا با مشخص ساختن ده مؤلفه برای دموکراسی، به تعریف واحدهای تحلیل (پاراگراف، تصاویر و پرسش‌ها) پرداختیم. در ادامه با شمارش فراوانی واحدهای تحلیل مشمول و غیر مشمول دموکراسی با استفاده از روش ویلیام رمی، ضریب درگیری فراگیران با متون درسی با استناد به مؤلفه‌های دموکراسی، محاسبه شد. علاوه بر این از آزمون χ^2 برای مقایسه فراوانی‌ها و نسبت‌ها، تفاوت بین ضرایب درگیری و نیز نحوه‌ی توزیع مؤلفه‌ها در محتوای کتب درسی تعلیمات اجتماعی پایه‌های سوم، چهارم و پنجم ابتدایی استفاده گردید. با توجه به مقایسه و تحلیل ضرایب درگیری (ISE) به دست آمده از محتوای کتاب‌های مورد بررسی، می‌توان اظهار داشت که از لحاظ میزان برخورداری از مؤلفه‌های دموکراسی، کتاب تعلیمات اجتماعی در پایه‌ی سوم، دارای عملکردی بسیار ضعیف ($ISE=0/24$)، کتاب پایه‌ی چهارم، در حد مطلوب ($ISE=1/16$) و کتاب پنجم ابتدایی دارای وضعیتی بسیار مطلوب است ($ISE=2/23$). در بخش پرسش‌ها، تحلیل ضرایب درگیری بدست آمده مبین توجه اندک هر سه کتاب به مؤلفه‌های دموکراسی است و در بخش تصاویر نیز صرفاً کتاب تعلیمات اجتماعی پنجم از عمل‌کردی نیمه‌فعال ($ISE=0/91$) در زمینه‌ی جلب توجه دانش‌آموزان به مؤلفه‌های دموکراسی برخوردار می‌باشد.

* کارشناس ارشد آموزش ابتدایی fdorkhah@yahoo.com

** دانشیار، دانشگاه شیراز mmazidi52@gmail.com

*** استاد، دانشگاه علامه طباطبایی far_mofidi@yahoo.com

علاوه بر این نتایج حاصل از آزمون‌های ۲ نشان داد که در مجموع بین سه پایه‌ی تحصیلی مورد بررسی، تفاوت معناداری در توزیع مؤلفه‌های دموکراسی وجود ندارد. اما میزان توزیع مؤلفه‌ها در کل محتوا، به طور معناداری نامتوازن بود.

واژه‌های کلیدی: دموکراسی، تعلیم و تربیت دموکراتیک، دوره ابتدایی، تعلیمات اجتماعی.

مقدمه

نهاد آموزش و پرورش به عنوان ابزار مهم تحقق اهداف و مقاصد اجتماعی. لازمه‌ی نظم و پیشرفت جامعه محسوب شده، انتظار می‌رود که از یک سو به حفظ و تحکیم سنت‌هایی هم‌چون احترام به اقتدار، اطاعت از قانون و میهن دوستی و نظایر آن‌ها بپردازد و از سوی دیگر موجبات رشد و توسعه‌ی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه را فراهم سازد. دقت در چنین رسالت سنگینی، لزوم توجه هر چه بیش‌تر این نهاد را به تربیت سیاسی و اجتماعی افراد جامعه نمایان‌تر می‌سازد. بدیهی است که عرصه‌ی عمل تربیت سیاسی و اجتماعی، بسیار گسترده و متأثر از فلسفه‌ی اجتماعی حاکم بر هر جامعه‌ای است. در این راستا، دموکراسی به عنوان یک فلسفه‌ی ایده‌آل سیاسی اجتماعی و اخلاقی، امروزه در میان ملل سراسر دنیا مقبولیت عام پیدا کرده است (شریعتمداری، ۱۳۸۴). در فلسفه سیاسی - اجتماعی، دموکراسی را می‌توان از دو منظر مورد بررسی قرار داد. در نگاه اول، دموکراسی را می‌توان به عنوان هدف یا آرمان و در نگاه دوم به عنوان یک روش، در نظر گرفت. منظور از دموکراسی در این نوشتار روش است نه هدف. در واقع دموکراسی به عنوان روش، در پی به حداقل رساندن خطاهای مدیریت جامعه و به حداکثر رساندن مشارکت مردم و کاهش دادن نقش انفرادی اشخاص در تصمیم‌گیری‌های سیاسی است (نوروزی، ۱۳۹۰).

دموکراسی، ارتباط تنگاتنگی با تعلیم و تربیت دارد. به نحوی که بسیاری از صاحب‌نظران (لیپست^۱، ۱۹۵۹؛ و فریدمن^۲، ۱۹۶۲؛ به نقل از چانگ و گرادستین، ۲۰۰۹)، تعلیم و تربیت را به عنوان یک پیش‌نیاز اساسی جامعه‌ی دموکراتیک دانسته‌اند. با این وجود این رابطه چنان در هم تنیده است که نمی‌توان به زمینه‌ساز بودن نقش تعلیم و تربیت بسنده کرد. برای مثال وجود یک علیت دوسویه در این زمینه نیز قابل تأمل است. آنچه مسلم است اینکه هر دموکراسی مستلزم شرایطی است که از نگاه کوهن (۱۳۷۳) عبارتند از شرایط مادی، مبتنی بر قانون اساسی، فکری، روان‌شناختی و حفاظتی، که هریک از این موارد می‌تواند، توأمأً تعلیم و تربیت را تحت تأثیر قرار دهند یا از آن متأثر گردند. جان دیویی^۳ به عنوان یک فیلسوف تعلیم و تربیت اولین کسی بود که ضرورت توجه به این در هم تنیدگی را اختصاصاً در کتاب دموکراسی و تعلیم و تربیت^۴ (۱۹۱۶)

1- Lipset, S.

2- Friedman, M

3- Dewey, J.

4- Democracy & Education

مورد توجه قرار داد. از نظر او دموکراسی صرفاً یک مدل حکومتی نیست بلکه بسیار فراتر از آن، یک شیوه زندگی است. دیویی تعلیم و تربیت را مقوله‌ای اجتماعی و امری جدایی‌ناپذیر از سیاست می‌داند. از نظر او جامعه‌ی دموکراتیک بیش از هر جامعه‌ی دیگری به تعلیم و تربیت نیاز دارد؛ چرا که دخالت دادن مردم در حکومت و افزایش دامنه فعالیت‌های مردم، از شرایط غالب بر جوامع دموکراتیک محسوب می‌شود که این امر مستلزم تعلیم و تربیت در ابعاد وسیع است (به نقل از کاردان، ۱۳۸۷ ص ۲۲۹). بنابراین دیویی به نقش مهم نظام تعلیم و تربیت در ایجاد و بقا دموکراسی و نیز اهمیت تفکر و عمل دموکراتیک در پیشرفت تعلیم و تربیت واقف بود و با طرح ایده‌ی «مدرسه دموکراتیک»^۱ (۱۹۱۶)، گام‌های بلندی در جهت شناساندن اقدامات تعلیم و تربیتی منجر به دموکراتیک شدن مدرسه و جامعه برداشت. از نگاه دیویی مدرسه، مینیاتوری^۲ از نوعی جامعه است که آرمان آن ایجاد این انگاره است که مدرسه دموکراتیک، پیش‌نیاز یک جامعه‌ی دموکراتیک است (سرا-سوزر و آلاگوزلو، ۲۰۱۰). در جامعه دموکراتیک هیچ طبقه‌ای بر طبقه‌ی دیگر مسلط نیست و رشد اجتماعی همه مردم برای قوام و تکامل جامعه لازم است. بنابراین مدرسه مبتنی بر اصول دموکراسی، استعدادها و رغبت‌های ارادی خود کودکان را تشویق می‌نماید و از این که کودکان به فعالیت‌هایی بپردازند که معنای آن‌ها فقط برای معلمی که دستور می‌دهد روشن باشد بیزار است (شاتو، ۱۳۷۶، ص ۳۱۲). عمده‌ترین مزیت دموکراسی از نظر دیویی در آن است که برای یادگیری فعالیت‌هایی که در پرتو وسیع‌ترین همکاری ممکن در امر تجربه به وسیله‌ی حداکثر افراد ممکن صورت گیرد، اولویت قائل است. این امر نه تنها مستلزم آزادی وسیع از نظر سهیم شدن در تجربه است بلکه علاوه بر آن درهم ریختن دیوارهای کهنه‌ی موجود در بین نژادها، طبقات و اقوام که مزاحم مبادله‌ی آزاد تجربه است، می‌باشد (شاتو، ۱۳۷۶، ص ۳۱۲). بدین طریق است که تربیت دموکراتیک به بهترین وجهی می‌تواند زمینه‌های شکوفایی استعداد، خلاقیت و توسعه تفکر آدمی را فراهم آورد و منجر به رشد فردی و اجتماعی گردد.

در یک قرن اخیر، پژوهشگران به تاسی از دیویی، مکانیسم تعامل دموکراسی و تعلیم و تربیت را به لحاظ نظری و تجربی، مطمح نظر قرار داده‌اند. به نحوی که برخی تحقیقات میان فرهنگی نشان داده‌اند که سطح تعلیم و تربیت و تحصیلات افراد هر جامعه یا سازمانی با میزان دموکراتیک بودن آن جامعه ارتباط دارد و اصولاً نضج گرفتن دموکراسی در یک جامعه مستلزم میزانی از سواد است (بارو، ۱۹۹۹؛ گلاس، پونزتو و شلیفر، ۲۰۰۷؛ بویا و کاولو، ۲۰۰۷؛ چانگ و گرادستین، ۲۰۰۹). با این وجود تحقیقات معدودی (برای نمونه آکموگلو و همکاران، ۲۰۰۵) نیز وجود چنین ارتباطی را تأیید نکرده‌اند. در یک جمع‌بندی، رابطه‌ی دموکراسی و تعلیم و تربیت را می‌توان با اقتباس از ویلگاس-ریمایر (۱۹۹۴)، در سه طبقه قرار داد: تعلیم و تربیت برای

دموکراسی^۱، تعلیم و تربیت دموکراتیک^۲ و دموکراتیک کردن تعلیم و تربیت^۳. همان‌طور که از این طبقه‌بندی استنباط می‌شود، بسیاری از عناصر نظام آموزشی نظیر، مدیریت کلان و خرد، فضای آموزشی، رفتار و روش تدریس معلم، برنامه‌ی درسی و محتوا، در تربیت دموکراتیک نقش دارد و آن را تسهیل می‌نماید (کریمی، ۱۳۸۸). در میان عناصر برنامه‌ی درسی، محتوای درسی به عنوان یکی از کلیدی‌ترین ابزارها برای رشد و توسعه‌ی یادگیری شناختی و ایجاد تغییرات مطلوب رفتاری و اجتماعی در کودکان به حساب می‌آید. محتوای برنامه‌ی درسی با توجه به جایگاهی که دارد باید انعکاسی از خواست یا فلسفه‌ی اجتماعی مردم هر جامعه، به منظور تربیت نسل‌های آینده باشد. در این رابطه شریعتمداری (۱۳۸۴، ص ۱۰۹) فلسفه‌ی اجتماعی مردم ایران را با ارجاع به رخدادهای مهم تاریخ معاصر همانند انقلاب مشروطیت و انقلاب اسلامی، و توجه به مطالبات مردم در چنین برهه‌هایی، با بسیاری از ایده‌آل‌های دموکراسی هماهنگ می‌داند. علاوه بر این طرح موضوع مردم‌سالاری دینی از سوی بسیاری از اندیشه‌ورزان سیاسی - اجتماعی در سه دهه‌ی اخیر نیز نمود اهمیت چنین ایده‌آلی برای جامعه‌ی مسلمان ایران است. با این وجود، مرور ادبیات علمی مبتنی بر این است که اهتمام پژوهشگران عرصه‌ی تعلیم و تربیت، در جهت دستیابی به یک مدل تربیتی ایرانی - اسلامی از دموکراسی، در آغاز راه قرار دارد. بر این اساس با توجه به اینکه پژوهش‌هایی که در کشور به بررسی رابطه دموکراسی و تعلیم و تربیت پرداخته‌اند، اندک است و از آن‌جا که در زمینه محتوای دروس تعلیمات اجتماعی دوره‌ی ابتدایی، که زیربنای رشد ذهنی، عقلی، اجتماعی و سیاسی افراد می‌تواند باشد، تاکنون پژوهش داخلی قابل ملاحظه‌ای در خصوص توجه به مؤلفه‌های دموکراسی صورت نگرفته است، پژوهش حاضر در صدد شناسایی اساسی‌ترین مؤلفه‌های لازم برای تربیت دموکراتیک، از طریق بررسی میزان توجه کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی به مؤلفه‌های دموکراسی و نیز تعیین ضرائب درگیری دانش‌آموزان با محتوای هر کدام از این کتاب‌ها برآمده است. با توجه به اهداف مذکور، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌دهی به این سؤال است که: «متن، پرسش‌ها و تصاویر کتاب‌های تعلیمات اجتماعی پایه‌های سوم، چهارم و پنجم دوره‌ی ابتدایی، به چه میزان دانش‌آموزان را با مؤلفه‌های دموکراسی درگیر می‌سازد؟»

بررسی مبانی نظری دموکراسی

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های توسعه‌ی دولت‌ها و ملت‌های امروزی ارتباط آن‌ها با دموکراسی است. واژه دموکراسی از اصطلاح یونانی دموکراتیا^۴ ریشه گرفته است، که اساساً به معنای نظام سیاسی است که در آن مردم، نه شاهان یا اشراف، حکومت می‌کنند (گیدنز، ۱۳۸۵، ص ۳۴۲). با وجود

1- Education for Democracy
3- Democratization of Education

2- Democratic Education
4- Demokratia

صراحتی که در معنای لغوی دموکراسی دیده می‌شود، اما تعریف جامع و مورد توافق برای آن وجود ندارد. از این رو صاحب‌نظران با توجه به خاستگاه‌های فلسفی، اجتماعی، سیاسی و عقیدتی خود، مقاصد متفاوتی را از دموکراسی ایفاد و در این زمینه نظریه‌پردازی کرده‌اند. بدین سان، دامنه‌ی نظریه‌های دموکراسی بسیار وسیع است. بشیریه (۱۳۸۵، صص ۴۳۴-۴۱۷) این گستردگی را در قالب انواع دموکراسی - از جمله؛ مستقیم و نمایندگی، اجتماعی، صنعتی، مسیحی، چند قومیتی و صنفی مطرح می‌کند. برخی صاحب‌نظران نیز تلاش دارند تا با طبقه‌بندی انواع دموکراسی در چارچوب یک مدل مدون، الگویی قابل فهم و کاربردی از دموکراسی ارائه دهند. برای نمونه اسکو (۲۰۰۱) مجموعه نظریه‌های مربوط به دموکراسی را در چارچوب سه مدل اصلی دموکراسی لیبرال^۱، جماعت‌گرا^۲ و تفاهمی^۳ طبقه‌بندی کرده است. وجود دسته‌بندی‌ها و مدل‌های یاد شده مبین این است که میان انواع گوناگون دموکراسی، تفاوت‌های بنیادین وجود دارد که عمده‌ی این تفاوت‌ها در میزان نمایندگی و قدرتی است که هر کدام، برای شهروندان قائل هستند (گیدنز، ۱۳۸۵، ص ۳۴۵).

پیشتر بیان شد که یکی از اهداف پژوهش حاضر، شناسایی مؤلفه‌های اساسی دموکراسی در محتوای کلی کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره‌ی ابتدایی می‌باشد. با توجه به گستردگی و تنوعی که در خصوص مفهوم دموکراسی وجود دارد، بررسی مبانی نظری دموکراسی، بدون مشخص ساختن معیارهای دقیقی برای احصای مؤلفه‌های تربیت دموکراتیک بسیار دشوار می‌نماید. بر این اساس، از آن جا که دموکراسی نسخه‌ی واحدی ندارد که بتوان آن را برای همه‌ی موقعیت‌ها تجویز کرد (فدریکو مایور^۴، به نقل از جاویدی، ۱۳۸۵) بنابراین باید در تعیین ایده‌آل‌های تربیت دموکراتیک، ضروریات فرهنگی و مذهبی جامعه را هم در نظر گرفت. با توجه به نکات بیان شده در این پژوهش، احصا و انتخاب مؤلفه‌های دموکراسی با توجه به این سه معیار صورت پذیرفت: (۱) توجه به مفروضه‌ها و اصول بنیادی نظریه‌های مختلف مرتبط با دموکراسی، (۲) شناسایی اصول مشترک و پذیرفته شده از سوی غالب مکاتب نظری، از جمله مکتب تعالی‌بخش اسلام، (۳) تعمق در آرای صاحب‌نظران ایرانی و غیرایرانی حوزه‌ی تعلیم و تربیت در خصوص مؤلفه‌های ضروری که باید در دستور کار تعلیم و تربیت دموکراتیک قرار گیرد.

شناسایی اصول یا مفروضه‌های بنیادی هر مفهومی، تا حدود زیادی می‌تواند به روشن شدن ماهیت، ابعاد یا مؤلفه‌های آن مفهوم کمک کند. در زمینه‌ی دموکراسی، کوهن (۱۳۷۳) اجتماع و پیروی از عقل را به عنوان دو مفروضه‌ی اساسی دموکراسی عنوان کرده است. بدون وجود اجتماع و مناسبات اجتماعی، دموکراسی معنا پیدا نمی‌کند و پیروی از عقل نیز بیانگر اعتماد به توانایی و

1- Liberal Democracy
3- Deliberative Democracy

2- Communitarian Democracy
4- Federico Mayor

هوش یکایک افراد جامعه جهت مشارکت در مناسبات اجتماعی و فرصت برابر برای کسب تجربه است. با وجود جامع بودن این دو مفروضه، باید توجه داشت که دموکراسی در این دو مفروضه خلاصه نمی‌شود و دست کم باید ویژگی‌های جزئی‌تری را برای دموکراسی جست‌وجو کرد. جاویدی (۱۳۸۵) در بررسی امتیاز دموکراسی بر دیگر شکل‌های حکومتی، با استناد به دلایل مطرح شده از جانب مؤسسه‌ی سیویتاس^۱، ویژگی‌های دموکراسی را شامل این موارد می‌داند: فراهم بودن زمینه برای استفاده از خرد جمعی و رسیدن به خودشکوفایی، حاکمیت بر سرنوشت خویش، صلاحیت داشتن عموم مردم برای تصمیم‌گیری، ایجاد زمینه برای تحقق برابری، آزادی، عدالت و حقوق انسانی، پاسخ‌گو بودن نمایندگان، احترام قائل شدن برای فرد، پرورش مسؤلیت‌پذیری، جابه‌جایی توأم با آرامش قدرت، تعهد به قانونی که مورد پذیرش احاد جامعه است، نوآوری و التزام برای پیشرفت، و وجود ثبات در عین جابجایی قدرت. علاوه بر اینها، هر یک از مدل‌های دموکراسی نیز حائز یک‌سری ویژگی‌ها هستند. برای نمونه، مفاهیم اصلی در نظریه‌ی دموکراسی لیبرال ناظر بر خودمختاری، آزادی فردی، برابری، مشروعیت، تکثرگرایی و بی‌طرفی است. در حالی که مفاهیم کلیدی مورد نظر جماعت‌گرایان عبارتند از: دولت، اجتماع، انسجام و یک‌پارچگی، برابری، فضایل اخلاقی. نظریه‌ی تفاهمی نیز بر مفاهیمی تأکید می‌ورزد که بخش زیادی از آن را می‌توان از ترکیب خلاق مفاهیم دو نظریه‌ی مذکور انتزاع نمود. این مفاهیم ناظر بر ارتباط یا تعامل، علایق مشترک یا خواست عمومی، عقلانیت، درک عمیق همگانی، مذاکره، مشارکت، تفکر انتقادی، عدالت و برابری، همکاری، آزادی و فضایل اخلاقی است (جاویدی و مهرمحمدی، ۱۳۸۵). سچمان، کلی و گرین^۲ نیز اصول اخلاقی دموکراسی را در سه مفهوم اصلی آزادی، برابری و عدالت خلاصه کردند (سرا-سوزر و آلاگوزلو، ۲۰۱۰). قدر مسلم مفروضه‌های مطرح شده از سوی هر کدام از این دیدگاه‌ها همیشه مورد پذیرش محققان نبوده است. برای نمونه اخوان کاظمی (۱۳۸۲) ضمن انتقاد بر دموکراسی لیبرال و تبیین مردم‌سالاری دینی، اصول مشترک دموکراسی و مردم‌سالاری دینی را مشتمل بر مشارکت شهروندان برای اخذ تصمیم، آزادی افکار، ضرورت حکومت قانون، وجود ساز و کار برای ابراز افکار عمومی، تکثر، رعایت حقوق و آزادی‌های فردی، برابری، امکان ابراز مخالفت، تبدیل اقلیت فکری به اکثریت، امکان بحث و گفت‌وگوی آزاد و استقلال قوا، می‌داند.

در نظر علمای تعلیم و تربیت، دموکراسی و تعلیم و تربیت، حائز ویژگی‌های مشابه و گاه متفاوتی هستند. برای نمونه، دیویی (به نقل از جاویدی، ۱۳۸۵) عقیده داشت که دموکراسی و شریک اصلی‌اش تعلیم و تربیت باید سه مشخصه‌ی فردیت، شهروندی و انسانیت را، که مشخصات اعضای یک فرهنگ دموکراتیک هستند، در افراد رشد دهند. به نظر او ایجاد تعادل بین این سه ویژگی از طریق برقراری ارتباط با دیگران امکان‌پذیر است و چنانچه هر یک از این سه مورد از

1- Civitas

2- Shechtman, Kelly & Greene

تبادل خارج شود تهدیدی برای دموکراسی خواهد بود. جیمز شیور^۱ (به نقل از میلر، ۱۳۹۰، ص ۸۹) سخن‌گوی روی‌کرد برنامه‌ی درسی شهروند دموکراتیک، بر این باور است که مفاهیمی مثل شأن و منزلت فرد، حاکمیت بر سرنوشت خود، هوش و کثرت‌گرایی و اجتماع جزو مفاهیم اساسی دموکراسی به حساب می‌آیند. کاونتس^۲ (۱۹۳۹، به نقل از گوتک، ۱۳۸۹، ص ۴۶۲) نیز در طرح برنامه تربیتی دموکراتیک خود بر دو هدف عمده تأکید ورزید: اول، پرورش عادات، تمایلات، و هم‌بستگی‌های دموکراتیک؛ و دوم، اکتساب معرفت و بینش برای مشارکت هوشمندانه در جامعه‌ی دموکراتیک. او معتقد است که آموزش و پرورش همگانی باید این امور را در فرد پرورش دهد: احساس لیاقت و کفایت؛ وفاداری نسبت به برابری انسان‌ها؛ برادری، متانت و شایستگی؛ وفاداری نسبت به روش‌های دموکراتیک گفت و شنود، انتقاد و تصمیم‌گیری؛ صداقت و روحیه علمی؛ و احترام به ذوق و استعداد کارآموزی و منش. یانگ (۲۰۱۰) نیز با توجه به معنای دموکراسی، استدلال می‌کند که شهروندان ایده‌آل در یک دموکراسی باید در پی افزایش آگاهی‌های خود باشند، توانایی تصمیم مستقل در خصوص امور جامعه و میزان تحمل بالایی داشته باشند، به فردیت، برابری و آزادی انسان‌ها احترام بگذارند، و مراقبی خوب برای جامعه باشند. بدین ترتیب، هدف یک تعلیم و تربیت ایده‌آل باید تولید فراورده‌های آموزشی با چنین مشخصه‌هایی باشد. از نظر شریعتمداری (۱۳۸۴، ص ۸۰) مبانی اساسی دموکراسی عبارتند از: احترام به انسان، ایمان به صلاحیت مردم جهت اخذ تصمیم صحیح در مسایل مربوط به خود، به‌کاربردن روش عقلانی در کلیه‌ی شؤون زندگی، همکاری به عنوان تنها راه رسیدن به هدف‌های فردی و تأمین رفاه اجتماعی، حق و مسؤولیت افراد در اخذ تصمیمی که مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر آن قرار دارند. در اخذ آن تصمیم، وی بر اساس موارد یاد شده، ایده‌آل‌های دموکراتیک برای کار و عمل معلمان ایرانی را تبیین می‌کند.

مرور نظریه‌ها مبین این است که به‌رغم تفاوت‌هایی که ملاحظه می‌شود، نظریه‌های دموکراسی و تربیت دموکراتیک در برخی اصول مبنایی نیز اشتراکاتی دارند. بشیریه (۱۳۸۵، ص ۲۴۴) جوهر این اصول و مبانی را در اصالت برابری انسان‌ها، اصالت فرد، اصالت قانون، اصالت حاکمیت مردم و تأکید بر حقوق طبیعی، مدنی و سیاسی انسان‌ها عنوان می‌کند. البته ذکر این نکته ضروری است که اگرچه ممکن است مفاهیم یا ایده‌آل‌هایی که در مدل‌های مختلف دموکراسی با واژه‌های تقریباً مشابهی بیان شوند، اما باید توجه داشت که هر نظام نظری شیوه‌های خاص و متفاوتی را برای تحقق این ایده‌آل‌ها تجویز می‌کند. برای مثال مشارکت مردم در اداره‌ی امور می‌تواند با انتخاب رهبریت جامعه و یا دیگر مدیران و یا مشارکت در آن‌جا انواع مختلف امور عمومی صورت پذیرد. آزادی نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین مقاصد دموکراسی نیز یا در اداره‌ی

1- Shaver, James

2- Counts G. S.

عمومی جامعه به نحوی خود را نشان می‌دهد یا تجلی آن را می‌توان در انتخاب آزادانه رهبران و مدیران و نیز طرح به دور از واژه‌های انتقادات و اندیشه‌ها برای طراحی امور اجرایی و اجتماعی مشاهده کرد. هم‌چنین در زمینه‌ی ایده‌آل برابری، تأکید بسیاری از مدل‌های دموکراسی بر تساوی اقشار خاصی مثل تساوی اکثریت با اقلیت یا تساوی زن و مرد است، در حالی که برای برخی دیگر نیز کمال مطلوب تساوی در مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی برای همه‌ی اقشار جامعه را ضروری می‌دانند (برای مرور جامع‌تر این تفاوت‌ها به زاهد، ۱۳۸۲ مراجعه شود). در مجموع نگارندگان مقاله‌ی حاضر، با توجه به نکات گفته شده و پس از تأمل در آرای فوق، در ۱۰ مؤلفه‌ی مرتبط با مفهوم دموکراسی به توافق رسیدند. در ادامه به معرفی این مؤلفه‌ها می‌پردازیم:

۱- آزادی: آزادی وقتی تحقق پیدا می‌کند که موجبات آسایش فرد فراهم گردد و شرایط مساعد جهت رشد قوا و استعدادها و بوجود می‌آید. آزادی حقیقی آزادی فکری است و دامنه‌ی آزادی تا آن جا است که منجر به سلب آزادی دیگران نگردد. منظور از آزادی در متن کتاب، میزان آزادی است که افراد در آن جام و بیان امور قانونی، شرعی و طبیعی خود دارند.

۲- برابری: یعنی اینکه همه افراد در مقابل قانون مساوی خواهند بود و هر فرد به فراخور استعداد و توانایی‌اش فرصت کافی برای رشد و احراز موقعیت‌های اجتماعی داشته باشد. به بیان دیگر افراد، گروه‌ها و طبقات مردم نسبت به یکدیگر برتری و امتیازی ندارند.

۳- مشارکت و همکاری: همکاری یعنی اشتراک مساعی افراد با هم جهت نیل به هدفهای عمومی و مشترک. در جوامع دموکراتیک فرد و جمع از هم جدا نیستند و همکاری و مشارکت، تنها راه اساسی برای نیل به هدفهای فردی و تأمین رفاه اجتماعی است. در پژوهش حاضر همکاری و مشارکت با افراد و نهادهای مختلف مانند خانواده، مدرسه، مسجد و دیگر نهادهای اجتماعی به منظور حل مسایل گوناگون مد نظر است.

۴- مسؤولیت پذیری: یعنی اینکه هر فرد با توجه به سطح توانایی‌اش نسبت به آن جام هر کار یا فعالیت و یا مسؤولیتی که از جانب خانواده، اطرافیان، جامعه، محیط پیرامون و کشورش، بدون اجبار به او سپرده شده است، متعهد باشد.

۵- قانون‌گرایی: قانون، عاملی است که زمینه‌ی انسجام و یگانگی میان افراد جامعه را فراهم می‌سازد. منظور از قانون‌گرایی رعایت مواردی است که قانون، شهروندان را به آن جام آن‌ها ملزم می‌داند. مواردی نظیر رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی، رعایت مقررات اداری و اجتماعی، رعایت نظم و احترام به قانون.

۶- حق انتخاب و تصمیم‌گیری: در هر جامعه و سازمانی، افراد و گروه‌هایی که تحت تأثیر تصمیمی قرار دارند باید به نحوی در اخذ آن تصمیم دخالت کنند. جلوه تحقق آن در داشتن حق تصمیم‌گیری توأم با رغبت و علاقه‌ی افراد در انواع انتخاب‌هایی است که می‌توانند داشته باشند.

۷- حقوق و وظایف شهروندی: حقوق شهروندی آمیخته‌ای است از وظایف و مسؤولیت‌های شهروندان در قبال یک‌دیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و مملکت و هم‌چنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه‌ی تأمین آن حقوق بر عهده‌ی مدیران شهری، دولت یا به طور کلی قوای حاکم می‌باشد.

۸- تفکر انتقادی: تفکر انتقادی فرآیندی است که به افراد کمک می‌کند تا شیوه‌ی بررسی دقیق آنچه را که به آن معتقدند، دریابند و دلایل اعتقاد خود را توسعه دهند. تفکر انتقادی مواردی مانند داشتن روحیه‌ی انتقادگری و انتقادپذیری، نگاه نقادانه و آینده‌نگر نسبت به فعالیت‌های فرهنگی خانواده و جامعه را می‌تواند شامل شود.

۹- احترام به شأن انسان: منظور این است که تمام افراد بشر بدون توجه به جنسیت، نژاد، عقیده، طبقه و موقعیت اجتماعی شایسته‌ی احترام هستند.

۱۰- حاکمیت مردم: در دموکراسی، منبع مشروعیت قدرت حکومت، مردمی هستند که می‌توانند رضایت یا عدم رضایت خود را از عمل کرد حکومت، اعلام دارند و مجاری خاصی نیز برای اعلام نظر مردم در این خصوص وجود دارد. پاسخگویی مسؤولان در مقابل مردم، تعیین شیوه‌های حکومتی و حاکمان، از نمودهای این مفهوم هستند.

پیشینه‌ی تحقیق

در ادبیات پژوهشی مربوط به تعلیم و تربیت، معدود پژوهش‌هایی را می‌توان گزارش کرد که در آن مؤلفه‌های دموکراسی را مورد توجه قرار داده باشند. برای مثال کولو - وستین (۲۰۰۴) در تحقیق خود به تحلیل محتوای کتاب‌های ادبیات و تاریخ نظام تعلیم و تربیت اجباری بوسنی و هرزگوین در زمینه‌ی دموکراسی و حقوق بشر پرداخت. وی برای تعیین مؤلفه‌ها چهار طبقه‌بندی بزرگ را برای دسته‌بندی پیام‌های متن درسی استفاده کرد که در هر طبقه چندین مؤلفه جای می‌گیرند که عبارتند از: حقوق بشر پایه‌ای (شامل حقوق انسان به عنوان یک شخص، عضو گروه، حقوق اجتماعی - اقتصادی، آزادی و برابری ملت‌ها و دولت‌ها، و توزیع و کنترل قدرت)، ارزش‌های دموکراتیک و صفات شخصیتی (شامل هم‌زیستی، میهن دوستی، ارزش‌های اجتماعی، درون‌شخصی، جهانی، و ارزش‌های عمومی)، تنگناهای دموکراسی (برخورد بین دو اصل دموکراتیک، حدود و ثغور دموکراسی، برخورد بین برابری گفتاری و برابری حقیقی، استبداد و دیکتاتوری)، پیش‌شرط‌ها و مدل‌های رشد دموکراتیک (توجه به مبانی فلسفی دموکراسی). در ایران نیز جاویدی (۱۳۸۷) به موازات پژوهش حاضر، در رساله دکتری خود، اصول تقریباً مشابهی را به منظور تربیت شهروند دموکراتیک ارائه کرده است. که عبارتند از: ایجاد زمینه‌های لازم به منظور پرورش قوه خردورزی دانش‌آموزان، اعطای آزادی توأم با مسؤولیت، ایجاد عدالت و توزیع منصفانه

فرصت‌ها، تقویت میزان و کیفیت مشارکت دانش‌آموزان، توجه به جنبه‌های انسانی و ارتقای آن، تحقق فعالیت‌های آموزشی در قالب فعالیت‌های گروهی، و در نهایت ایجاد دوستی و هم‌بستگی بین دانش‌آموزان. پروار (۱۳۸۱) در تحقیق خود، دو مورد از عوامل زمینه‌ساز دموکراسی، یعنی خلاقیت و جامعه‌پذیری را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. جاویدی و مهرمحمدی (۱۳۸۵) در پژوهش خود تلاش کردند تا با استناد به نظریه‌های موجود و با روش استنتاج منطقی به تبیین اصول، اهداف و روش‌های تربیت دموکراتیک بپردازند. جاویدی و عالی (۱۳۸۷) در پژوهش دیگری ضمن توضیح ملزومات اساسی شهروند دموکراتیک، نقش آموزش غیررسمی را در تربیت شهروند دموکراتیک مورد بررسی قرار دادند.

در زمینه‌ی میزان برخورداری محتوای کتاب‌های درسی از مؤلفه‌های دموکراسی نیز پژوهش‌های آن‌جام شده را می‌توان به دو گروه عمده تقسیم کرد. دسته اول پژوهش‌هایی را شامل می‌شود که نظر کارشناسان و معلمان را در مورد برخورداری محتوا از مفاهیم دموکراسی بررسی کرده‌اند و دسته‌ی دیگر، پژوهش‌هایی هستند که محتوای کتاب‌ها را مستقیماً مورد تحلیل قرار داده‌اند. برای نمونه، دهقانی (۱۳۸۸) با توجه به دیدگاه آموزگاران، میزان توجه به مهارت‌های اجتماعی در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره‌ی ابتدایی را مورد تحلیل قرار داد. نتایج این پژوهش نشان داد که پراکندگی مهارت‌های اجتماعی در این کتاب‌ها یکسان نیست و بر برخی مهارت‌ها از جمله پرورش حس همکاری، تأکید بیشتری شده است. از طرفی به مواردی مثل آشنایی با قوانین اجتماعی نیز توجه بسیار کمی شده است. در تحلیل یاد شده، روند توجه محتوا به همکاری، نظم و رعایت قانون به این صورت بود که کتاب سوم، بیش‌تر بر همکاری و رعایت قانون در خانواده، کتاب چهارم، در خانواده و اجتماع بزرگ‌تر (مثل مدرسه و مسجد)، و کتاب پنجم متمرکز بر کل جامعه اسلامی، بوده است. در پژوهش دیگری هاشمی (۱۳۸۹) نشان داد که از دیدگاه دبیران توزیع مفاهیم مرتبط با تربیت شهروندی در محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره‌ی راهنمایی، یک دست نیست. به نحوی که به ترتیب، مؤلفه‌های حقوق اجتماعی با بیش‌ترین فراوانی، و وظایف اجتماعی، مشارکت، عدالت و برابری با کم‌ترین فراوانی مورد توجه قرار گرفته‌اند. یارعلی، شواخی و عریضی، (۱۳۸۷) کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی دوره‌ی راهنمایی را به لحاظ توجه به ۴۵ مؤلفه‌ی مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی مورد بررسی قرار دادند که در میان آن‌ها، مؤلفه‌های شناخت حقوق خود و دیگران، انتقاد کردن و انتقادپذیری، همکاری، رعایت حقوق دیگران و احترام متقابل، و شناخت و رعایت قوانین، مرتبط با دموکراسی بود. نتایج تحلیل یارعلی و همکاران (۱۳۸۷) نشان داد که به طور کلی توجه به این مؤلفه‌ها، در حد متوسط و یا بیش‌تر است و تنها مؤلفه‌ی همکاری در جامعه سهم کمی در این کتاب‌ها دارد. اسدیپور (۱۳۸۷) با استفاده از دیدگاه اخوان کاظمی (۱۳۸۲)، محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره‌ی راهنمایی را بر اساس

مؤلفه‌های دموکراسی تحلیل نموده، به این نتیجه رسیده است که در کتاب‌های اول و دوم راهنمایی، توجه بسیار اندکی به مردم‌سالاری دینی شده و وضعیت کتاب تعلیمات اجتماعی سوم در این زمینه بهتر است. محمودی (۱۳۹۰)، نیز نشان داد که در محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره‌ی راهنمایی، مؤلفه‌های آموزش شهروند قانون‌مدار و سپس شهروند مشارکتی، بیش‌تر از شهروند انتقادی (برابری طلب و عدالت خواه) مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر این‌ها، حکیم‌زاده، کیامنش و عطاران (۱۳۸۶) با توجه به مسایل و مباحث روز جهانی به تحلیل محتوای کتاب‌های اجتماعی، تاریخ، جغرافیا، علوم، فارسی و دینی دوره‌ی راهنمایی پرداختند. تحلیل‌های آماری روی مؤلفه‌های شمارش شده مؤید این بود که در مورد مفاهیم کلی؛ مقوله کلی آموزش صلح، برابری و حقوق بشر به طور معناداری کمتر از دیگر مفاهیم مورد توجه قرار گرفته است. تحلیل مؤلفه‌های فرعی در ارتباط با دیگر مؤلفه‌های هر مقوله کلی نشان داد که پرهیز از نژادپرستی و توجه به برابری انسان‌ها و پرهیز از مردسالاری و توجه به فرصت‌های برابر برای مردان و زنان بیش‌تر از حد انتظار بود. به مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی، روحیه‌ی قانون‌مداری و احترام به قوانین و مقررات جامعه و درک اهمیت دموکراسی، در حد انتظار توجه شده بود. از سویی فراوانی مؤلفه‌های حقوق شهروندی، احترام به ارزش و حرمت انسان، تقویت روحیه‌ی تحمل و پذیرش افکار متفاوت، بسیار کمتر از حد انتظار بود.

سؤال‌های پژوهش

- ۱- متن، پرسش‌ها و تصاویر کتاب تعلیمات اجتماعی پایه‌ی سوم دبستان، به چه میزان دانش‌آموزان را با مؤلفه‌های دموکراسی درگیر می‌سازد؟
- ۲- متن، پرسش‌ها و تصاویر کتاب تعلیمات اجتماعی پایه‌ی چهارم دبستان، به چه میزان دانش‌آموزان را با مؤلفه‌های دموکراسی درگیر می‌سازد؟
- ۳- متن، پرسش‌ها و تصاویر کتاب تعلیمات اجتماعی پایه‌ی پنجم دبستان، به چه میزان دانش‌آموزان را با مؤلفه‌های دموکراسی درگیر می‌سازد؟
- ۴- آیا ضریب درگیری دانش‌آموزان با کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی پایه‌های سوم، چهارم و پنجم دوره‌ی ابتدایی به لحاظ برخورداری از مؤلفه‌های دموکراسی، بار مثبت بالایی دارند؟
- ۵- آیا ضریب درگیری دانش‌آموزان با کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی پایه‌های سوم، چهارم و پنجم دوره‌ی ابتدایی به لحاظ برخورداری از مؤلفه‌های دموکراسی، تفاوت معناداری با یکدیگر دارند؟
- ۶- آیا تفاوت معناداری در توزیع مؤلفه‌های ده‌گانه دموکراسی در کل محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره‌ی ابتدایی وجود دارد؟

روش

به منظور بررسی وضعیت کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی به لحاظ میزان توجه به مؤلفه‌های دموکراسی، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کمی^۱ اقدام نمود. شیوه یا فن مورد استفاده جهت تحلیل محتوای نمونه‌های منتخب شیوه‌ی ویلیام رمی^۲ (۱۹۸۶) بود که از طریق آن به بررسی واحدهای تحلیل در متن، پرسش‌ها و تصاویر با توجه به مؤلفه‌های دموکراسی پرداخته شد. داده‌های حاصل از این روش با استناد به روی‌کرد توصیفی و با محاسبه‌ی ضریب درگیری دانش‌آموزان^۳ با مؤلفه‌های دموکراسی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. به منظور اجرای تحلیل محتوا، ابتدا با مراجعه به مبانی نظری مرتبط با مفهوم دموکراسی، مؤلفه‌های دموکراسی شناسایی شد. سپس نمونه، ابزار و واحدهای تحلیل مشخص شد. واحد تحلیل برای متن، پاراگراف، برای پرسش‌ها، هر پرسش در پایان درس، و برای تصاویر، هر تصویر در یک درس، معین گردید. در گام بعدی، با نمونه‌گیری از بخش‌هایی از متن، روایی و پایایی مؤلفه‌های دموکراسی احراز گردید. پس از آن، با استفاده از جدول تحلیل محتوا، بسامد مؤلفه‌های مورد نظر در محتوای منتخب، تعیین و با توجه به سؤال‌های پژوهشی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. اقدامات بیان شده در ادامه گزارش شده است.

نمونه و روش نمونه‌گیری

با توجه به هدف پژوهش، یعنی بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های دموکراسی در کتاب‌های درسی، کتاب‌های تعلیمات اجتماعی پایه‌های سوم، چهارم و پنجم ابتدایی، به عنوان محتوایی که می‌توانست شاخص توجه به مفهوم دموکراسی در دوره‌ی ابتدایی باشد، مد نظر قرار گرفتند. بنابراین نمونه مورد نظر مشتمل بر کتاب‌های تعلیمات اجتماعی پایه‌های سوم، چهارم و پنجم ابتدایی می‌گردید که با استفاده از روش نمونه‌گیری معطوف به هدف از مجموعه کتاب‌های دوره‌ی ابتدایی انتخاب شدند.

ابزار پژوهش

برای استخراج فراوانی مفاهیم مرتبط با دموکراسی در کتاب‌های درسی پایه‌های سوم تا پنجم دوره ابتدایی، از جدول تحلیل محتوا استفاده گردید. مؤلفه‌های مرتبط با دموکراسی با مراجعه به نظریه‌های مختلف و جمع‌بندی دیدگاه‌های نظریه‌پردازانی نظیر اسکو (۲۰۰۱) و دیویی (۱۹۱۶) از مدل‌های دموکراسی، و نظر صاحب‌نظران ایرانی علم سیاست (نظیر بشیریه، ۱۳۸۵ و اخوان

1- Quantitative content analysis
3- Index of Student Involvement (ISI)

2- William Romey

کاظمی، ۱۳۸۲) و فلسفه‌ی اجتماعی تعلیم و تربیت (نظیر شریعتمداری، ۱۳۸۴) احصا گردید. بر این اساس مؤلفه‌های دموکراسی شامل موارد دهگانه‌ی: «آزادی»، «برابری»، «مشارکت و همکاری اجتماعی»، «مسئولیت‌پذیری اجتماعی»، «قانون‌گرایی یا قانون‌مداری»، «حق انتخاب و تصمیم‌گیری»، «حقوق شهروندی»، «تفکر انتقادی، انتقادگری و انتقادپذیری»، «احترام به شأن انسان‌ها» و «حاکمیت مردم»، گردید. بدین ترتیب در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از جدول تحلیل محتوا، فراوانی مؤلفه‌های دموکراسی در هر کدام از کتاب‌های منتخب تعیین و ذیل ستون‌های جدول ثبت شدند (پیوست‌ها).

روایی و پایایی نحوه‌ی استخراج مؤلفه‌ها از متن

برای احراز روایی مفاهیم استخراج شده از متن کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره‌ی ابتدایی، ابتدا تعدادی از واحدهای تحلیل مربوط به متن، پرسش‌ها و تصاویر، که حاوی مؤلفه‌های دموکراسی بودند و تعدادی که فاقد مؤلفه‌های دموکراسی بودند، به صورت تصادفی انتخاب و در اختیار ۱۵ تن از استادان رشته‌های علوم سیاسی و علوم تربیتی قرار داده شدند و از آن‌ها خواسته شد تا نظر خود، در مورد درستی تخصیص واحدهای مرتبط یا نامرتب با دموکراسی را اعلام نمایند. در نهایت نظرات استادان در استخراج نهایی مؤلفه‌ها از محتوا به عنوان ملاک روایی مد نظر قرار گرفت. به منظور تعیین پایایی، محققین مجدداً تعدادی از واحدهای تحلیل مربوط به متن کتاب‌های تعلیمات اجتماعی را انتخاب و هر کدام را، با توجه به ارتباطشان با مؤلفه‌های دموکراسی، در ذیل مقوله‌ی مربوطه قرار دادند. علاوه بر این از همان استادان مجدداً درخواست شد، تا با استفاده از فرمی که در اختیار آن‌ها قرار داده شده بود، مشخص نمایند که واحدهای تحلیل منتخب، ذیل کدام یک از ۱۰ مقوله‌ی تعریف شده قرار می‌گیرند. پس از آن‌جا این کار، ضریب هم‌بستگی بین مقوله‌های تخصیص داده شده توسط محققین و استادان محاسبه گردید. ضریب توافق حاصله برابر با ۰/۷۰ شد که مؤید پایایی و ثبات نسبتاً مطلوب در استخراج و تخصیص واحدهای تحلیل مرتبط با دموکراسی از متن بود.

روش جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل داده‌ها

به منظور تحلیل محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره‌ی ابتدایی، نخست هر کدام از دروس موجود در کتاب بر اساس تعداد پاراگراف‌ها، پرسش‌ها و تصاویر آن تقسیم‌بندی گردید. شایان‌یاد است که در مورد متن، هر پاراگراف به عنوان یک واحد تحلیل در نظر گرفته شد. در مورد پرسش‌ها و تصاویر نیز واحد تحلیل صرفاً یک سؤال یا یک تصویر بود. پس از تعیین واحدهای تحلیل، محتوای کتاب‌ها بر اساس وجود یا عدم وجود مؤلفه‌های ده‌گانه‌ی دموکراسی به دقت مورد مشاهده

قرار گرفتند.

در پژوهش حاضر به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و شناسایی میزان برخورداری کتاب‌های منتخب از مؤلفه‌های دموکراسی، با استناد به فرمول ویلیام رُمی، به محاسبه‌ی ضرایب درگیری فراگیران با متن دروس، تصاویر و سؤال‌ها از لحاظ مؤلفه‌های دموکراسی اقدام گردید. طبق این فرمول، ضریب درگیری متن از لحاظ مؤلفه‌های دموکراسی، از طریق تقسیم مجموع واحدهای مرتبط با دموکراسی بر مجموع واحدهای غیرمرتبط با دموکراسی به دست می‌آید. اگر ضریب درگیری به دست آمده $0/5$ باشد، نشانه‌ی این خواهد بود که حداقل ۲۵ درصد واحدهای تحلیل مرتبط با مؤلفه‌های دموکراسی هستند و اگر ضریب درگیری حاصله ۱ باشد، نشانه‌ی این خواهد بود که حداقل ۵۰ درصد واحدهای تحلیل مرتبط با مؤلفه‌های دموکراسی هستند. بنابراین در صورتی که ضریب درگیری از $0/5$ بیشتر باشد، نشان‌دهنده‌ی توجه بیش‌تر کتاب به مؤلفه‌های دموکراسی، و هر چه از ۱ بیشتر باشد، نشان‌دهنده‌ی وضعیت مطلوب کتاب از نظر برخورداری از مؤلفه‌های دموکراسی خواهد بود.

علاوه بر این به منظور مقایسه کتاب‌های پایه‌های سوم، چهارم و پنجم به لحاظ میزان توجه به مؤلفه‌های دموکراسی و نیز مقایسه یا بررسی تفاوت در نحوه‌ی توزیع مؤلفه‌ها در کل نمونه از آزمون خبی دو (χ^2) نیز استفاده شد.

یافته‌ها

در این بخش، یافته‌های حاصل از تحلیل محتوای کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی پایه‌های سوم، چهارم و پنجم دوره‌ی ابتدایی، با توجه به سؤال‌های پژوهشی ارائه می‌گردند. لازم به یادآوری است که داده‌های تحلیل شده در گام نخست، در چارچوب جداول تحلیل محتوا مورد بررسی قرار گرفتند (جداول در بخش پیوست‌ها ارائه شده‌اند).

سؤال اول پژوهش حاضر عبارت از این بود که «متن، پرسش‌ها و تصاویر کتاب تعلیمات مدنی پایه‌ی سوم دبستان، به چه میزان دانش‌آموزان را با مؤلفه‌های دموکراسی درگیر می‌سازد؟» در این رابطه، تحلیل محتوای دروس کتاب یاد شده با شمارش فراوانی مفاهیم مرتبط و نامرتبط با دموکراسی آن‌جام شد و ضریب درگیری دانش‌آموزان با متن نیز محاسبه گردید. این کتاب مشتمل بر ۲۰ درس است که در ۷۳ صفحه ارائه شده است.

بر طبق محاسبات صورت گرفته، در متن کتاب تعلیمات اجتماعی پایه‌ی سوم ابتدایی، ۱۰/۸۸ درصد از مفاهیم موجود در متن به مؤلفه‌های دموکراسی اختصاص دارد و میزان ضریب درگیری دانش‌آموزان با متن $ISE=0/12$ می‌باشد، بنابراین می‌توان استنباط نمود که محتوای این کتاب در زمینه‌ی آموزش دموکراسی به دانش‌آموزان عملکردی ضعیف دارد. در پرسش‌ها نیز ۸/۵۳

درصد موارد، بیانگر مؤلفه‌های دموکراسی بودند. ضریب درگیری دانش‌آموزان با پرسش‌ها در این کتاب برابر با $ISE = 0/09$ به دست آمد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که پرسش‌های این کتاب در زمینه‌ی آموزش دموکراسی به دانش‌آموزان غیرفعال است. در بررسی تصاویر کتاب تعلیمات اجتماعی پایه‌ی سوم $3/22$ درصد موارد، مرتبط با مؤلفه‌های دموکراسی بود. ضریب درگیری دانش‌آموزان با تصاویر نیز $ISE = 0/033$ بود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تصاویر کتاب مورد نظر از توانایی لازم جهت آموزش دموکراسی به دانش‌آموزان برخوردار نیستند.

سؤال پژوهشی دوم ناظر بر این بود که «متن، پرسش‌ها و تصاویر کتاب تعلیمات مدنی پایه‌ی چهارم دبستان، به چه میزان دانش‌آموزان را با مؤلفه‌های دموکراسی درگیر می‌سازد؟» تحلیل محتوای درس‌های کتاب فوق نیز با محاسبه‌ی فراوانی مفاهیم و ضریب درگیری دانش‌آموزان با متن آن جام شد. این کتاب مشتمل بر ۸ درس و ۱۳۴ صفحه است.

نتایج این تحلیل حاکی از آن بود که $34/37$ درصد از مفاهیم موجود در متن کتاب، نشانگر مفهوم دموکراسی بود. محاسبه‌ی ضریب درگیری نشان داد که درگیری دانش‌آموز با متن برابر با $ISE = 0/52$ می‌باشد، بنابراین کتاب یا شده تا حدودی دارای توانایی لازم برای آموزش دموکراسی به دانش‌آموزان می‌باشد. در واحد پرسش‌ها نیز تعداد مؤلفه‌های مرتبط با دموکراسی برابر با 20 درصد بود. بر این اساس ضریب درگیری دانش‌آموزان با پرسش‌های این کتاب برابر با $ISE = 0/25$ می‌باشد، که این میزان نشانگر توجه اندک پرسش‌های کتاب تعلیمات اجتماعی چهارم در آموزش مؤلفه‌های دموکراسی است. 28 درصد از تصاویر کتاب تعلیمات اجتماعی پایه‌ی چهارم، بیانگر مؤلفه‌های دموکراسی بود. علاوه بر این ضریب درگیری دانش‌آموزان با تصاویر نیز برابر با $0/39$ $ISE =$ به دست آمد که حاکی از این است که قابلیت تصاویر این کتاب، برای آموزش مؤلفه‌های دموکراسی به دانش‌آموزان اندک است.

سؤال سوم این پژوهش در پی آن بود که «متن، پرسش‌ها و تصاویر کتاب تعلیمات مدنی پایه‌ی پنجم دبستان، به چه میزان دانش‌آموزان را با مؤلفه‌های دموکراسی درگیر می‌سازد؟» تحلیل محتوای درس‌های این کتاب مذکور با محاسبه‌ی فراوانی مفاهیم و محاسبه‌ی ضریب درگیری با متن، پرسش‌ها و تصاویر آن جام شد. باید یادآور شد که این کتاب شامل ۹ درس است که در ۱۶۴ صفحه ارائه شده است.

در کتاب تعلیمات اجتماعی پنجم، $55/42$ درصد مفاهیم احصا شده از متن، نمایانگر مؤلفه‌های دموکراسی بود. هم‌چنین ضریب درگیری دانش‌آموزان با متن برابر با $ISE = 1/24$ بود که این میزان مبین وضعیت مطلوب متن کتاب از نظر آموزش مؤلفه‌های دموکراسی به دانش‌آموزان است. $7/4$ درصد از مفاهیم ارائه شده در پرسش‌ها مبین مؤلفه‌های دموکراسی بود و ضریب درگیری با پرسش‌ها در این کتاب برابر با $ISE = 0/08$ به دست آمد. بر این اساس می‌توان نتیجه

گرفت که در پرسش‌های این کتاب به آموزش مؤلفه‌های دموکراسی توجه اندکی شده است. در خصوص تصاویر، نتایج مؤید این بود که ۴۷/۸۲ درصد از موارد مرتبط با دموکراسی بود. بر این اساس ضریب درگیری با تصاویر در کتاب مزبور $ISE = ۰/۹۱$ است که این میزان نشان دهنده‌ی توجه نسبتاً زیاد کتاب به آموزش مؤلفه‌های دموکراسی است.

سؤال چهارم، مبنی بر این بود که «آیا ضریب درگیری دانش آموزان با کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی پایه‌های سوم، چهارم و پنجم دوره‌ی ابتدایی به لحاظ برخورداری از مؤلفه‌های دموکراسی، بار مثبت بالایی دارند؟» نتایج مربوط به این تحلیل در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: مقایسه درصد و ضریب درگیری مجموع واحدهای دارای مؤلفه دموکراسی

پایه تحصیلی	واحدهای دارای مؤلفه دموکراسی			ضریب درگیری				
	متن	پرسش‌ها	تصاویر	با متن	با پرسش‌ها	با تصاویر	مجموع	میانگین
سوم	۱۰/۸۸	۸/۵۳	۳/۲۲	۰/۱۲	۰/۰۹	۰/۰۳۳	۰/۲۴۳	۰/۰۸۱
چهارم	۳۴/۳۷	۲۰	۲۸	۰/۵۲	۰/۲۵	۰/۳۹	۱/۱۶	۰/۳۸
پنجم	۵۵/۴۲	۷/۴۰	۴۷/۸۲	۱/۲۴	۰/۰۸	۰/۹۱	۲/۲۳	۰/۷۴

همان طور که در جدول ۱ آمده است، با توجه به نتیجه‌ی حاصل از تعیین مجموع میزان ضرایب درگیری (تعلیمات اجتماعی سوم = ۰/۲۴، تعلیمات اجتماعی چهارم = ۱/۱۶، و تعلیمات اجتماعی پنجم = ۲/۲۳)، و با مقایسه‌ی میزان برخورداری هر سه کتاب از مؤلفه‌های دموکراسی، می‌توان نتیجه گرفت که ضریب درگیری کتاب تعلیمات اجتماعی پایین‌تر از ۰/۵ است. این موضوع نشان می‌دهد که کمتر از ۲۵ درصد (حدوداً ۱۲ درصد) از واحدهای تحلیل این کتاب، به آموزش مفهوم دموکراسی پرداخته اند. این یافته نشان می‌دهد که بار آموزشی کتاب یاد شده، در زمینه‌ی دموکراسی بسیار ضعیف است. این در حالی است که کتاب‌های تعلیمات اجتماعی چهارم و پنجم با ضرایب درگیری بالاتر از ۱، در زمینه‌ی میزان توجه به مؤلفه‌های دموکراسی، به ترتیب در حد قابل قبول، بالاتر از متوسط و مطلوب هستند.

سؤال پنجم، عبارت از این بود که «آیا از نظر برخورداری از مؤلفه‌های دموکراسی تفاوت معناداری بین ضرایب درگیری دانش‌آموزان با کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی پایه‌های سوم، چهارم و پنجم دوره ابتدایی وجود دارد؟». با توجه به اینکه ضریب درگیری، منتج از یک نسبت

است (مؤلفه‌مرتبط‌های با دموکراسی / مؤلفه‌ناهای مرتبط با دموکراسی)، بنابراین به منظور پاسخ‌گویی به این سؤال و مقایسه‌ی دو به دو ضرایب درگیری، از آزمون تفاوت بین دو نسبت مستقل (فرگوسن و تاکانه، ۱۳۹۰) استفاده شد.

شایان یاد است که در این تحلیل، تفاوت بین ضرایب درگیری متن، پرسش‌ها، تصاویر و کل (حاصل از مجموع نسبت‌ها) هر جفت کتاب از طریق آزمون فوق، مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این تحلیل در جدول ۲ آورده شده است.

در جدول ۲، نتایج حاصل از مقایسه‌ی نسبت‌های (ضرایب درگیری) متن، تصویر، و کل محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره‌ی ابتدایی با مؤلفه‌های دموکراسی، تفاوت‌های معناداری را نشان می‌دهد. در متن کتاب‌ها، نتایج تحلیل حاکی از آن است که ضریب درگیری $(\frac{16}{31}) \cdot 0/12$ متن کتاب سوم به طور معناداری کمتر از ضرایب درگیری $(\frac{22}{44}) \cdot 0/52$ متن کتاب چهارم $(\chi^2 = 29/94, P \leq 0/0001)$ و ضریب درگیری $(\frac{46}{37}) \cdot 1/24$ متن کتاب پنجم $(P \leq 0/0001)$ است. $(\chi^2 = 139/66)$

جدول ۲: مقایسه ضرایب درگیری دانش‌آموزان به تفکیک واحدهای تحلیل و به صورت کلی

سطح معناداری	χ^2	d.f	خطای نسبت	نسبت کل	اختلاف نسبت‌ها	شاخص‌ها	
						سوم - چهارم	مقایسه‌ها
0/0001	29/94	1	0/07341	0/2197	-0/4	سوم - چهارم	متن
0/0001	139/66	1	0/08984	0/3690	-1/12	سوم - پنجم	
0/0001	35/43	1	0/07806	0/8608	-0/72	چهارم - پنجم	
0/07	3/51	1	0/0836	0/1263	-0/16	سوم - چهارم	پرسش
0/83	0/04	1	0/06609	0/09	0/01	سوم - پنجم	
0/13	2/44	1	0/10873	0/1556	0/17	چهارم - پنجم	
0/001	17/15	1	0/08586	0/1154	-0/36	سوم - چهارم	تصویر
0/0001	52/74	1	0/12164	0/1806	-0/88	سوم - پنجم	
0/015	8/36	1	0/18257	2/89	8/36	چهارم - پنجم	
0/0001	47/64	1	0/04796	0/1705	-0/33	سوم - چهارم	کل
0/0001	153/95	1	0/05668	0/2471	-0/7	سوم - پنجم	
0/0001	22/27	1	0/0788	0/6039	-0/53	چهارم - پنجم	

هم‌چنین ضریب درگیری با متن کتاب چهارم نیز به طور معناداری کمتر از ضریب درگیری با متن کتاب پنجم $(\chi^2 = 35/43, P \leq 0/0001)$ است. در خصوص پرسش‌ها، نتایج تحلیل‌ها بیانگر آن بود که ضرایب درگیری پرسش‌های سه کتاب تفاوت معناداری با یک‌دیگر ندارند. نتایج مربوط به

تصاویر کتاب‌ها نشان داد که ضریب درگیری $0/033$ ($\frac{2}{6}$) کتاب سوم، به طور معناداری کمتر از ضرایب درگیری $0/39$ ($\frac{7}{18}$) کتاب چهارم ($\chi^2=17/15, P \leq 0/001$) و ضریب درگیری $0/91$ ($\frac{11}{13}$) متن کتاب پنجم ($\chi^2=52/74, P \leq 0/0001$) است. علاوه بر این، ضریب درگیری با تصاویر کتاب چهارم نیز به طور معناداری کمتر از ضریب درگیری با تصاویر کتاب پنجم ($\chi^2=8/36, P \leq 0/015$) است. در کل محتوا نیز یافته‌های حاصل از مقایسه آماری دو نسبت، حاکی از آن بود که در کتاب تعلیمات اجتماعی سوم ضریب درگیری با کل محتوا برابر با $0/094$ ($\frac{25}{266}$)، به طور معناداری کمتر از ضریب درگیری $0/43$ ($\frac{34}{80}$) کتاب چهارم ($\chi^2=47/64, P \leq 0/0001$) و ضریب درگیری $0/79$ ($\frac{59}{74}$) کتاب پنجم ($\chi^2=153/95, P \leq 0/0001$) است. افزون بر این ضریب درگیری با تصاویر کتاب چهارم نیز به طور معناداری کمتر از ضریب درگیری با تصاویر کتاب پنجم ($P \leq 0/0001$) است. از مقایسه‌ی تفاوت‌های به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت که بیش‌ترین تفاوت ضرایب درگیری بین کتاب‌های سوم و پنجم می‌باشد. از طرفی کمترین تفاوت‌ها در واحد متن، بین کتاب‌های سوم و چهارم، و در واحد تصویر و کل محتوا، بین کتاب‌های چهارم و پنجم مشاهده می‌شود.

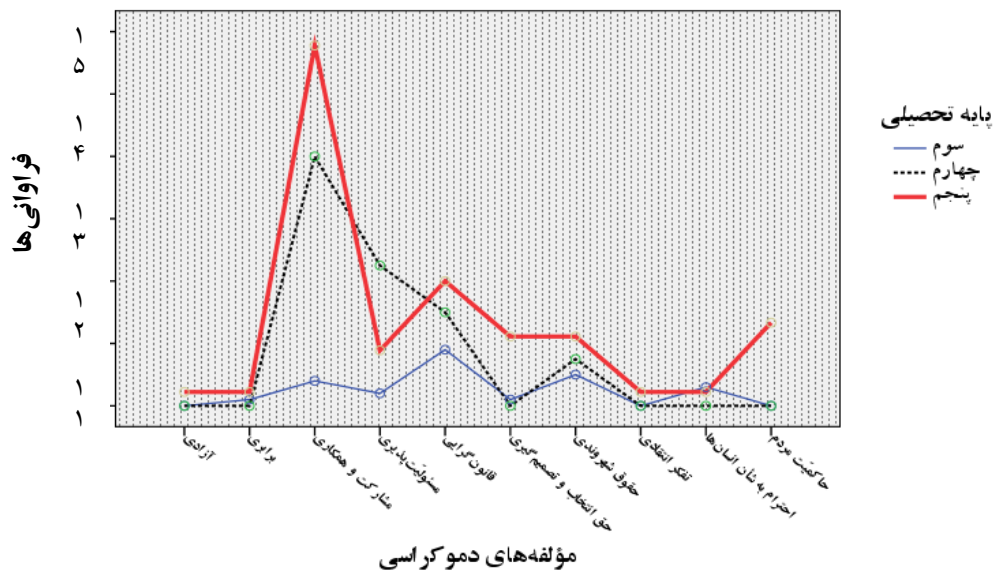
جدول ۳. نتایج آزمون χ^2 برای بررسی تفاوت در توزیع مؤلفه‌های دموکراسی در کل محتوا

سطح معناداری	مقدار χ^2	d.f	$\frac{(O-E)2}{E}$	(O-E)	فراوانی		شاخص‌ها مؤلفه‌ها
					مورد انتظار	مشاهده‌شده	
0/01	77/51	6	50/36	29/14	16/86	46	مشارکت و همکاری
			0/21	-1/86	16/86	15	مسئولیت‌پذیری
			7/43	7/14	16/86	24	قانون‌گرایی
			6/99	-10/86	16/86	6	حق انتخاب
			0/88	-3/86	16/86	13	حقوق شهروندی
			6/99	-10/86	16/86	6	حاکمیت مردم
			4/65	-8/86	16/86	8	آزادی، برابری، تفکر انتقادی، احترام به شأن انسان

سؤال پژوهشی ششم ناظر بر این بود که آیا تفاوت معناداری در توزیع مؤلفه‌های ده‌گانه‌ی

دموکراسی در کل محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره‌ی ابتدایی وجود دارد؟ به منظور پاسخگویی به این سؤال نیز مجذور خی محاسبه شد. لازم به ذکر است که با این فرض که توزیع مؤلفه‌های دموکراسی در کل محتوا یکسان است، فراوانی مورد انتظار از طریق تقسیم کل مؤلفه‌های مشاهده شده در محتوا بر تعداد مؤلفه‌ها بدست آمد. در ضمن، از آنجا که طبق مفروضه‌های آزمون χ^2 ، فراوانی خانه‌های جدول نباید کمتر از ۵ باشد، بنابراین به این دلیل، در این تحلیل مؤلفه‌ها به ۸ مورد کاهش یافت و ۴ مؤلفه با فراوانی کم، همگی با تجمیع فراوانی‌ها در ردیف هفتم جدول ۳ جای داده شدند.

مراجعه به جدول ۳ نشان می‌دهد که بین مؤلفه‌های دموکراسی در سطح ۰/۰۱ تفاوت معنادار وجود دارد ($\chi^2=77/51, P<0/01$). بدین معنا که به ترتیب به مؤلفه‌های مشارکت و همکاری و قانون‌گرایی بیش‌تر از حد انتظار توجه شده است. علاوه بر این مؤلفه‌های مسؤلیت‌پذیری، حقوق شهروندی نزدیک به حد انتظار بودند. از سوی دیگر توجه به مفاهیم آزادی، تفکر انتقادی و برابری، بسیار ناچیز است. در نمودار ۱، نیم‌رخ توزیع مؤلفه‌های دموکراسی در کل محتوا، به تفکیک پایه تحصیلی ترسیم شده است.



نمودار ۱: نیم‌رخ توزیع مؤلفه‌های دموکراسی در کل محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره‌ی ابتدایی

بحث و نتیجه‌گیری

رابطه‌ی بین تعلیم و تربیت و دموکراسی در طول دهه‌های اخیر به تدریج به یکی از محوری‌ترین مباحث حوزه‌ی تربیت سیاسی و اجتماعی تبدیل شده است و همواره موضوعی مورد علاقه هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ تجربی بوده است. به نحوی که صاحب‌نظران متنفذ این حوزه، مکانیزم‌هایی را پیشنهاد داده‌اند که از طریق آن تعلیم و تربیت ممکن است دموکراسی را ارتقا بخشد و پیوند میان این دو به خوبی در ادبیات علمی به ثبت رسیده است. در این رابطه، محتوای کتاب‌های درسی به عنوان یکی از کلیدی‌ترین عناصر نظام تعلیم و تربیت و برنامه‌ی درسی، ظرفیت اثرگذاری بالایی می‌توانند داشته باشند. به ویژه این که در نظام آموزش و پرورش کشور ما به دلیل حاکم بودن کتاب‌محوری، کتاب‌های درسی از جایگاه خاصی برخوردارند. علاوه بر این، تعداد کمی از پژوهش‌گران داخلی، موضوع تعلیم و تربیت دموکراتیک را اساس پژوهش‌های خود قرار داده‌اند. بنابراین با توجه به موارد یاد شده، پژوهش حاضر پس از شناسایی مؤلفه‌های تربیت دموکراتیک (مشمول بر آزادی، برابری، مشارکت و همکاری، مسؤولیت‌پذیری، قانون‌گرایی، حق انتخاب و تصمیم‌گیری، حقوق شهروندی، تفکر انتقادی، احترام به شأن انسان‌ها و حاکمیت مردم)، میزان توجه کتاب‌های تعلیمات اجتماعی پایه‌های سوم، چهارم و پنجم ابتدایی، به دموکراسی و تربیت دموکراتیک را در قالب ۶ سؤال پژوهشی، مورد بررسی قرار داد. عمده‌ترین دلیل پرداختن به این پژوهش، شناسایی میزان برخورداری کتاب‌های مورد نظر از مؤلفه‌های دموکراسی به منظور سازمان‌دهی مؤثرتر برنامه‌های درسی و شیوه‌های تربیتی برای رسیدن هر چه بهتر به هدف تعلیم و تربیت دموکراتیک در آینده است. و دلیل انتخاب چنین محدوده‌ی سنی برای این پژوهش این است که شالوده‌ی روانی نگرش‌ها، جهت‌گیری‌ها و رفتارهای سیاسی افراد در این دوره متأثر از مدرسه شکل می‌گیرد. در ادامه با محور قرار دادن سؤال‌های مذکور، یافته‌های به دست آمده را مورد بحث و تحلیل قرار می‌دهیم:

در بررسی سؤال اول پژوهش، نتایج، حاکی از آن بود که ضریب درگیری دانش‌آموزان با مؤلفه‌های دموکراسی در متن، تصاویر و پرسش‌های کتاب تعلیمات اجتماعی سال سوم، بسیار پایین است. کتاب مذکور توانایی لازم جهت آموزش دموکراسی به دانش‌آموزان را ندارد و در این زمینه تقریباً غیر فعال است. فراوانی مؤلفه‌های دموکراسی در این کتاب حداقل است به نحوی که به مؤلفه‌های قانون‌گرایی و حقوق شهروندی به ترتیب با بسامد ۹، و ۵، بیش‌ترین توجه شده است. این در حالی است که در مقدمه‌ی کتاب تعلیمات اجتماعی سال سوم ابتدایی، خطاب به دبیران عنوان شده است که هدف این کتاب پرورش ارزش‌های جامعه است. حال آن که به دموکراسی به عنوان یکی از ایده‌آل‌ها و ارزش‌های محوری جامعه اسلامی -ایرانی (شریعت‌مداری، ۱۳۸۴) حداقل توجه را مبذول داشته است. علاوه بر این، در این مقدمه از سوی گروه مطالعات اجتماعی دفتر

برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی خطاب به معلمان آمده است که برای دستیابی به اهداف مورد نظر باید از شیوه‌های فعال و مناسب یاددهی-یادگیری استفاده کرد. حال آن که در کتاب فوق، جایگاه خاصی برای شیوه‌های توصیه‌شده، لحاظ نشده است. حتی بخش «فعالیت در کلاس» همه‌ی درس‌ها، عمدتاً به شکل پرسش و پاسخ از سطح دانش افراد طراحی شده در آن‌ها به ندرت آن‌جام فعالیت‌های اجتماعی و به ویژه دموکراتیک از دانش‌آموزان خواسته شده است. عینی‌ترین شاهد این مدعا تصاویری است که روبه‌روی تیتراژ فعالیت در کلاس آمده است، که بیش‌تر تصوّر «با هم خواندن» را به دانش‌آموز القا می‌کند، تا مواردی مثل فعالیت، همکاری و مشارکت کلاسی، مدرسه‌ای و اجتماعی.

نتایج مربوط به سؤال دوم بیانگر این است که متن کتاب سال چهارم، دانش‌آموزان این پایه را در حدود ۲۵ درصد با مفاهیم درگیر می‌سازد. که البته این میزان درگیری چندان قابل توجه نیست و بیش‌تر مختص به مسؤلیت‌پذیری، مشارکت و همکاری و قانون‌گرایی بود. در مورد متن این کتاب جای امیدواری هست که با اقدامات معلمان و مدارس، ظرفیت فعال‌کنندگی این کتاب بیش‌تر شود. در مورد تصاویر و پرسش‌ها، ظرفیت کتاب برای فعال کردن عمل دموکراتیک دانش‌آموزان بسیار ناچیز بود. با توجه به این که یکی از اهداف مؤلفان از تألیف این کتاب، پرورش مهارت‌های زندگی فردی و اجتماعی عنوان شده است و از آن‌جا که در پژوهش حاضر بیش‌تر مؤلفه‌های دموکراسی به نوعی مهارت‌های زندگی فردی و اجتماعی هستند - برای مثال مسؤلیت‌پذیری، مشارکت و ... - بنابراین نظر به یافته‌های به دست آمده، می‌توان گفت که محتوای این کتاب تطابق کمی با بخشی از اهداف مؤلفان دارد.

در تحلیل داده‌های مربوط به سؤال سوم، ضرایب درگیری حاصل از تحلیل محتوای کتاب تعلیمات اجتماعی پنجم نشان داد که متن این کتاب از قابلیت به نسبت مطلوبی جهت تربیت دموکراتیک برخوردار است. در این زمینه، متن تأکید بیش‌تری بر مفاهیم مشارکت و همکاری، قانون‌گرایی، حقوق شهروندی و حاکمیت مردم داشت. به نظر می‌رسد که دلیل اصلی این یافته توجه بیش‌تر و مستقیم بخش تعلیمات مدنی این کتاب به مسایل اجتماعی و مرتبط با قانون اساسی کشور است. نتایج حاصل از تحلیل محتوای تصاویر نیز نشان از قابلیت نزدیک به متوسط تصاویر کتاب پنجم در آموزش مفاهیم مرتبط با دموکراسی داشت. مفهوم مشارکت و همکاری، بیش‌تر از سایر مفاهیم مورد توجه بود. دیگر نتایج بیانگر این بود که پرسش‌ها، میزان درگیری بسیار اندکی ایجاد می‌کنند و توان کمی در تربیت دموکراتیک دارند.

به منظور نتیجه‌گیری از ضرایب به دست آمده و بررسی سؤال چهارم، مجموع ضرایب درگیری مربوط به کل محتوای هر سه کتاب محاسبه و با یکدیگر مورد مقایسه قرار گرفتند. نتایج نشان داد که کتاب تعلیمات اجتماعی سوم قابلیت بسیار ضعیفی در پرورش شخصیت دموکراتیک دارد. ولی

کتاب‌های تعلیمات اجتماعی چهارم و پنجم به ترتیب در حد قابل قبول بالاتر از متوسط، و مطلوب هستند.

نتایج مرتبط با سؤال پنجم نشان داد که به طور کلی به استثنای پرسش‌ها، ضرایب درگیری مربوط به متن، تصاویر و کل محتوا، با یکدیگر متفاوت است. به نحوی که بیش‌ترین تفاوت ضرایب درگیری بین کتاب سوم و پنجم می‌باشد. از طرفی کمترین تفاوت‌ها در واحد متن بین کتاب سوم و چهارم، و در واحد تصویر و کل محتوا، بین کتاب چهارم و پنجم مشاهده می‌شود. با یک نگاه طولی به ضرایب می‌توان این نتیجه را گرفت که با رفتن به پایه‌های بالاتر، میزان درگیری دانش‌آموز با مؤلفه‌های تربیت دموکراتیک بیش‌تر خواهد شد. این نتیجه مؤید معنادار بودن و محرز شدن ضعف کتاب تعلیمات اجتماعی سوم در زمینه‌ی دموکراسی است. معنادار شدن تفاوت بین ضرایب درگیری مربوط به پرسش‌های سه کتاب و به طور کلی میزان توجه کم پرسش‌ها در مقایسه با میزان توجه بیش‌تر تصاویر و متن به مؤلفه‌ها، نشان دهنده‌ی تطابق کم پرسش‌ها با دیگر بخش‌های محتوا است. با توجه به این یافته، پیشنهاد می‌شود که در بازنگری‌های آتی در کتاب‌ها، این مسأله مدنظر قرار گیرد.

پاسخ سؤال پژوهشی ششم مبنی بر این که آیا تفاوت معناداری در توزیع مؤلفه‌های ده‌گانه‌ی دموکراسی در کل محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره‌ی ابتدایی وجود دارد، با استفاده از آزمون خی ۲ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که مؤلفه‌های تربیت دموکراتیک به یک میزان و به طور متوازن در کل محتوای سه کتاب مورد بررسی توزیع نشده‌اند. این یافته هم‌سو با بسیاری از پژوهش‌ها (حکیم‌زاده و همکاران، ۱۳۸۶؛ دهقانی، ۱۳۸۸؛ وهاشمی، ۱۳۸۹) است. طبق این تحلیل، بیش‌ترین توجه محتوای سه کتاب به مؤلفه‌های مشارکت و همکاری بود. این یافته نیز هم‌سو با پژوهش دهقانی (۱۳۸۸)، هاشمی (۱۳۸۹) بود. دلیل چنین وضعیتی، ممکن است این باشد که در جامعه‌ی اسلامی ما با تمسک به دین مقدس اسلام تأکید زیادی به همکاری و تعاون افراد می‌شود و این مسأله در محتوای کتاب‌های درسی تجلی یافته است. حال آن که در جامعه‌ی ما در موارد دیگری - مثل مسؤلیت‌پذیری، تفکر انتقادی صحیح و ... - که اتفاقاً مورد تأکید دین است، تا حدودی غفلت شده است. طبق فراوانی‌های مشاهده شده، بُعد قانون‌گرایی نیز هم‌سو با پژوهش محمودی (۱۳۹۰)، و حکیم‌زاده و همکاران (۱۳۸۶) از فراوانی قابل توجهی برخوردار بود. علت این امر می‌تواند اهتمام و قصدمندی جدی برنامه‌ریزان و طراحان کتاب در آموزش قوانین به دانش‌آموزان این مقطع باشد. دیگر نتایج به دست آمده نشان داد که به آزادی، برابری، تفکر انتقادی، احترام به شأن انسان حداقل توجه شده است. این یافته هم‌سو با پژوهش حکیم‌زاده و همکاران (۱۳۸۶)، هاشمی (۱۳۸۹)، و محمودی (۱۳۹۰) بود. در مجموع با توجه به این که برای تحقق اهداف تربیت دموکراتیک الزامی وجود ندارد که تمامی شرایط و عناصر مرتبط با دموکراسی

حضور داشته باشند (کوهن، ۱۳۷۳)، اما از منظری دیگر نمی‌توان به توجه انحصاری به دو یا سه عنصر دموکراسی نیز دلخوش کرد. بنابراین ایده‌آل این است که توزیع مؤلفه‌های دموکراسی در محتوای مورد نظر به گونه‌ای متوازن باشد.

در یک جمع‌بندی، براساس تحلیل داده‌ها و فراوانی‌های حاصل از این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که کتاب‌های تعلیمات اجتماعی در سه پایه‌ی تحصیلی سوم، چهارم و پنجم ابتدایی از نظر ایجاد و پرورش مفاهیم و مؤلفه‌های مورد بررسی برای آموزش دموکراسی به دانش‌آموزان در محتوا، پرسش‌ها و تصاویر خود دارای عمل‌کردی نسبتاً ضعیف هستند و زمینه‌های لازم برای تعلیم و تربیت دموکراتیک را در دانش‌آموزان فراهم نمی‌کنند. هم‌چنین بررسی نتایج حاصل از تحلیل محتوا نشان داد که تفاوت در ضریب درگیری‌های به دست آمده در هیچ کدام از موارد (متن، پرسش‌ها و تصاویر) و در هیچ کدام از دوره‌ها (سوم، چهارم و پنجم ابتدایی) روندی منطقی را دنبال نمی‌کنند. بدین معنا که مؤلفان این کتاب‌ها توجه هدفمند یا ویژه‌ای به امر دموکراسی چه از لحاظ مفهوم‌پردازی و چه از نظر شناخت مؤلفه‌های دموکراسی مورد نظر در این مطالعه نداشته‌اند. نکته ویژه‌ای که از نظر دیویی (۱۹۱۶) در بحث از محتوای دموکراتیک، باید به آن توجه کرد، مقدم داشتن جنبه‌ی اجتماعی تعلیم و تربیت بر جنبه‌ی حرفه‌ای آن است. بر این اساس می‌توان استدلال کرد که یکی از علل بسیار مهم توجه کمتر به دموکراسی در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی، نگاه تخصص‌گرایانه و مبتنی بر معلومات قالبی است که در کشور به تعلیم و تربیت شده است. حال آنکه در جامعه‌ی دموکراتیک باید همه‌ی افراد را برای اشتراک در کارهای اجتماعی تربیت کرد و این امر وقتی میسر می‌شود که برنامه‌ی درسی جنبه‌ی اجتماعی تعلیم و تربیت را بر جنبه‌ی حرفه‌ای آن مقدم دارد. در صورتی که در محتوای کتاب‌ها بیش‌تر بر حفظ کردن مطالب توجه شده است، تا این که فعالیت‌های اجتماعی عملی برای دانش‌آموزان پیش‌بینی شده باشد. از طرفی به نظر دیویی (۱۹۱۶) در یک مدرسه‌ی دموکراتیک، دانش‌آموزان صرفاً پذیرنده‌ی محتوای یادگیری متمرکز نیستند، بلکه خود می‌توانند محتوا را انتخاب کنند. افزون بر این، آن‌ها حتی می‌توانند محیط یادگیری و همه‌ی فرایندهای آموزشی را نیز تعیین کنند. بنابراین در مدرسه علاوه بر محتوای ارائه شده، با آن‌جا ابداعاتی در زمینه‌ی آموزش، می‌توان تعیین بخشی از محتوا را به عهده‌ی خود دانش‌آموز گذاشت.

با توجه به نکات یاد شده، و نیاز به تغییر کتاب‌های تعلیمات اجتماعی پس از گذشت نزدیک به یک دهه از عمر آن‌ها و نیز با اجرایی شدن سند تحول نظام آموزش و پرورش، پیشنهاد می‌شود که به منظور تربیت و رشد شهروندان جامعه مردم سالار اسلامی، در بازنویسی کتاب‌های تعلیمات اجتماعی به نکات زیر در قالب پیشنهادهای کاربردی و پژوهشی توجه گردد:

پیشنهادهات

- ۱- در صورت اجرای بازنگری اساسی یا جزئی، توجه بیش‌تری به پرورش دانش، مهارت و روحیه‌ی دموکراتیک در کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی صورت پذیرد.
- ۲- بازنگری‌های احتمالی آتی، در پرسش‌ها و نیز در بخش فعالیت در کلاس کتاب‌ها با طراحی پرسش‌ها و فعالیت‌هایی که عمل و فکر اجتماعی دانش‌آموزان را به تحرک وادار می‌دارد و نیز افزایش و متوازن‌سازی توجه به همه‌ی مؤلفه‌های دموکراسی، استفاده از تصاویر جدید و نیز متناسب با بحث تربیت دموکراتیک، اصلاحات اساسی در این زمینه صورت پذیرد.
- موارد مذکور را می‌توان در قالب یک کتاب کار یا فعالیت‌های فوق برنامه، و حتی فعالیت‌هایی مثل بازی تحقق بخشید.
- ۳- برنامه‌ریزی کردن برای آموزش مهارت‌های زندگی در جامعه‌ی مردم‌سالار در مقاطع مختلف تحصیلی ضروری به نظر می‌رسد.
- ۴- آشنا کردن کادر مدرسه به ویژه معلمان با ضرورت آموزش دموکراسی به دانش‌آموزان از طریق جلسات آموزشی و حل مشکلات آنان پیرامون این مساله می‌تواند شرایط را برای تعلیم و تربیت دموکراتیک دانش‌آموزان فراهم نمایند و حتی تا حدودی کمبود کتاب‌های درسی را در زمینه پرورش روحیه‌ی مردم‌سالارانه در دانش‌آموزان برطرف نمایند.
- ۵- با توجه به یافته‌های این پژوهش به دیگر پژوهشگران پیشنهاد می‌شود تا به بررسی میزان توجه سایر کتاب‌های درسی به مؤلفه‌های دموکراسی بپردازند.
- ۶- بررسی نظریه‌های مختلف دموکراسی و شناسایی و استخراج مؤلفه‌ها در قالب دیگر رویکردها نیز حائز اهمیت است.
- ۷- بررسی نقش دیگر عناصر برنامه‌ی درسی - هم‌چون معلم، مدیر، مدرسه - بر سطح قابلیت‌های دموکراتیک دانش‌آموزان، می‌تواند در این زمینه راه‌گشا باشد.

منابع

الف. فارسی

- اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۸۲). رویکردی به مردم‌سالاری دینی از زاویه نقد دموکراسی لیبرال. فصلنامه دانشگاه اسلامی، ۷ (۲۰): ۱۶۸-۱۳۷.
- اسدپور، کبری. (۱۳۸۷). تحلیل محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی بر اساس مؤلفه‌های دموکراسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز، راهنما: دکتر محمد مزیدی. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی. گروه فلسفه تعلیم و تربیت.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۵). آموزش دانش سیاسی. تهران: نشر نگاه معاصر.

- پرور، حمیدرضا. (۱۳۸۱). **بررسی مؤلفه‌های خلاقیت و جامعه‌پذیری و تأملی بر پارادوکس بین این دو مفهوم در فرایند تعلیم و تربیت**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز، راهنما: دکتر محمد مزیدی. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی. گروه فلسفه تعلیم و تربیت. جاویدی کلاته، طاهره. (۱۳۸۵). **کندکاوی در ابعاد و گستره مفهوم دموکراسی. مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران**، ۷ (۲): ۱۴۷-۱۷۰.
- جاویدی کلاته، طاهره؛ مهرمحمدی، محمود. (۱۳۸۵). **رویکردی تطبیقی به دلالت‌های تربیتی نظریه دموکراسی (چالش‌های میان نظریه‌های لیبرال، جماعت‌گرا و تفاهمی). مطالعات اسلامی**. پیوست شماره ۷۱: ۶۳-۹.
- جاویدی کلاته، طاهره. (۱۳۸۷). **اصول تربیت شهروند دموکراتیک در جمهوری اسلامی. مجموعه مقالات آموزش و پرورش کشورهای اسلامی با تأکید بر نقش توسعه‌ای دانشگاه اصفهان**.
- جاویدی کلاته، طاهره؛ و عالی، مرضیه. (۱۳۸۷). **تحلیلی بر ابعاد و گستره آموزش غیررسمی در تربیت شهروند دموکراتیک. مقالات اولین همایش آموزش و یادگیری غیررسمی**. ۲۷۹-۲۹۵.
- حکیم‌زاده، رضوان؛ کیامنش، علیرضا؛ و عطاران، محمد. (۱۳۸۶). **تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره راهنمایی با توجه به مسائل و مباحث روز جهانی در حوزه برنامه‌ی درسی. فصلنامه مطالعات برنامه‌ی درسی**، ۲ (۵): ۲۷-۵۴.
- دهقانی، مرضیه. (۱۳۸۸). **تحلیل محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی بر اساس مهارت‌های اجتماعی با توجه به دیدگاه آموزگاران. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی**، ۸ (۳۱): ۱۴۸-۱۲۱.
- زاهد، سعید. (۱۳۸۲). **زمینه‌های اجتماعی مردم‌سالاری دینی در تاریخ معاصر ایران. نخستین همایش بین‌المللی مردم‌سالاری دینی، تهران، ایران**.
- شاتو، ژان. (۱۳۷۶). **مربیان بزرگ**. (ترجمه دکتر شکوهی). تهران: دانشگاه تهران.
- شریعتمداری، علی. (۱۳۸۴). **جامعه و تعلیم و تربیت: مبانی تربیت جدید**. تهران: امیرکبیر.
- فرگوسن، جرج ا؛ و تاکانه، یوشیو. (۱۳۹۰). **تحلیل آماری در روان‌شناسی و علوم تربیتی**. (ترجمه علی دلاور و سیامک نقشبندی). تهران: ارسباران.
- کاردان، علی‌محمد. (۱۳۸۷). **سیر آراء تربیتی در غرب**. تهران: سازمان مطالع و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- کریمی، عبدالعظیم. (۱۳۸۳). **سازه‌های تربیت و دموکراسی، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت**.

کوهن، کارل. (۱۳۷۳). **دموکراسی**. ترجمه‌ی فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات خوارزمی.

گوتک، جرال. ال. (۱۳۸۹). **مکاتب فلسفی و آراء تربیتی**. (ترجمه محمدجعفر پاک‌سرشت). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).

گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۵). **مبانی جامعه‌شناسی**. (ترجمه منوچهر صبوری).، تهران: نشر نی.

محمودی، محمدتقی. (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی دوره‌ی راهنمایی تحصیلی از منظر نوع رویکرد آموزش شهروندی. **پژوهش در برنامه‌ریزی درسی**. سال ۸، دوره ۲ (۱ و ۲)، (پیاپی ۲۸ و ۲۹): ۹۶-۱۰۸.

میلر، جی. پی. (۱۳۹۰). **نظریه‌های برنامه‌ی درسی**. (ترجمه محمود مهرمحمدی). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).

نوروزی، محمد جواد. (۱۳۹۰). **فلسفه سیاست: سلسله دروس اندیشه‌های بنیادین اسلامی**. ویرایش دوم. چاپ چهاردهم. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

هاشمی، سید احمد. (۱۳۸۹). بررسی میزان استفاده از مفاهیم تربیت شهروندی در محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره‌ی راهنمایی از دیدگاه دبیران. **فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار**. ۴ (۱): ۱۶۰-۱۴۱.

یارعلی، جواد؛ شواخی، علیرضا؛ و عریضی، فروغ‌السادات. (۱۳۸۷). بررسی مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی در کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی دوره‌ی راهنمایی تحصیلی (تحلیل محتوا). **فصلنامه تعلیم و تربیت**. ۹۳: ۲۲۲-۱۹۱.

ب: انگلیسی

- Acemoglu, D., & et al. (2005). "From Education to Democracy." **American Economic Review**. 95: 44-49.
- Barro, R. J. (1999). "The Determinants of Democracy." **Journal of Political Economy**. 107: 158-183.
- Bobba, M., & Coviello, D. (2007). "Weak Instruments and Weak Identification in Estimating the Effects of Education on Democracy." **Economic Letters**. 96: 301-307.
- Chong, A. & Gradstein, M. (2009). "Education and Democratic Preferences", RES Working Papers 4627, Inter-American Development Bank, Research Department.
- Dewey, John (1916). **Democracy and Education**. New York: Macmillan Company.
- Glaeser, E., Ponzetto, G. & Shleifer, A. (2007). "Why Does Democracy Need Education?" **Journal of Economic Growth**. 12: 77-99.
- Koluh-Westin, L. (2004). Education and democracy in Bosnia and

- Herzegovina. **International Journal of Educational Development**. 24, 495–509.
- Romey, D. William. (1986). **Inquiry techniques for teaching science**. Prentice-Hall, INC., Englewood Cliffs, New Jersey.
- Saraç-Süzera H. S. & Alagözlü, N. (2010). Examining pre-service teachers' beliefs on democracy and democratic education. **Procedia Social and Behavioral Sciences**. 2, 2397–2401.
- Schou, L. R. (2001). Democracy in education. **Studies in Philosophy and Education**, 20: 317-329.
- Villegas-Reimers, E. (1994). **Civic Education in the School Systems of Latin America and Caribbean**. Working Papers, Education and Development. Washington, DC: U.S. Agency for International Development.
- Yung, B. (2010). Can Confucianism add value to democracy education? **Procedia Social and Behavioral Sciences**. 2: 1919–1926.

Archive of SID

ج واحدهای تحلیل	ج واحدهای غیرمرتبط	ج واحدهای مرتبط	حاکمیت مردم	احترام به شأن انسان	تفکر انتقادی	حقوق شهروندی	حق انتخاب و تصمیم	قانون گرایی	مسئولیت‌پذیری	مشارکت و همکاری	برابری	آزادی	مقوله‌ها	
													درس‌ها	درصد
۱۰۰	۵۲/۱۷	۴۷/۸۲	۸/۶۹	۰	۰	۰	۸/۶۹	۸/۶۹	۰	۱۷/۴	۴/۳۴	۰	درصد	
۱۳۳	۷۴	۵۹	۶	۱	۱	۵	۵	۹	۴	۲۶	۱	۱	جمع	
۱۰۰	۵۵/۶۴	۴/۳۶	۴/۵۱	۰/۷۵	۰/۷۵	۳/۷۶	۳/۷۶	۶/۷۷	۳/۰۰۷	۱۹/۵۴	۰/۷۵	۰/۷۵	درصد	

Archive of SID